

در بخشنامه ای به تمام قضات گفتم که، قاضی جایی که می تواند زندان ندهد حق ندارد زندان بدهد فقط جایی که الزام قانونی دارد زندان بدهد.

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

پدیده بزهکاری با نگاهی دیگر

علی‌ار کریمی فرد

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

karimi_aliyar@yahoo.com

و

احمد علی کیش پور ریک

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



اشاره:

بشر از ابتدای خلقت تاکنون با دردها و رنج‌های گوناگون و به بیان علمی، آسیب‌های اجتماعی همراه و همواره در پی کشف و جستجوی علت‌ها و انگیزه‌های وقوع و پیدایش آن بوده است. تلاش و نتیجه‌ی کنکاش و مطالعات فراوان محققان و اندیشمندان در این زمینه، منجر به پیدایش علم آسیب‌شناسی اجتماعی شده است. این شاخه از علوم انسانی، به شناخت و تبیین دردها و رنج‌های اجتماعی و آرایه‌ی راه و روش درمان و پیشگیری از آن‌ها می‌پردازد. انواع نابسامانی اقتصادی - اجتماعی همچون: بیکاری، تورم و گرانی، فقر شدید مالی، فقدان امنیت اقتصادی و حقوقی و بسیاری دیگر که محروم بودن را سبب می‌شوند، می‌توانند زمینه‌ی مساعدی برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق، خودکشی، سرقت، اعتیاد، تکدی‌گری و نظایر آن‌ها را فراهم آورند. از این رو، این پدیده، گستره‌ای عظیم برمی‌تاباند تا از ابعاد و زوایای گوناگون قابل بررسی و کنکاش شود. کم‌توجهی به نابسامانی و آسیب‌های اجتماعی منجر به تغییر و تحول اجتماعی، فقر فرهنگی، تفاوت‌ها و تبعیض‌های اجتماعی، تقابل آداب و رسوم، تغییر و زوال نظام اخلاقی جامعه، تقابل نوگرایی و سنت، تغییر در روابط انسانی گسترش بی‌رویه شهرنشینی و ایجاد گسترده شدن خرده فرهنگ‌های به‌بازده و بسیاری موارد دیگر می‌شود که هر کدام به نوبه‌ی خود آسایش و امنیت افراد جامعه را به مخاطره می‌اندازد. مقاله‌ی حاضر درصدد شناسایی و بررسی علت‌ها و عامل‌های موثر در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی و همچنین تبیین دیدگاه‌های موجود و مطالعات انجام شده در این زمینه است.

مقدمه

هر جامعه‌ای موازین کلی منطبق بر قوانین، مقررات و آداب و رسوم و سنن و قراردادهای اجتماعی‌ای وجود دارد که هنجارها و ارزش‌های آن جامعه را تشکیل می‌دهند. بیشتر افراد جامعه، این هنجارها و ارزش‌ها و قوانین و مقررات را می‌پذیرند و خود را با ارزش‌ها هنجارهای جامعه‌ی خویش وفق می‌دهند ولی تعدادی

جوامع انسانی متشکل از افرادی است که در ظاهر ترکیب مشابهی دارند و با تفاوت‌های بسیار جزئی از یکدیگر متمایز می‌شوند، اما همین افراد در ابعاد دیگری چون خصوصیات اخلاقی و رفتاری با یکدیگر متفاوت می‌باشند. علاوه بر آن، در



از افراد جامعه نیز رفتار خود را با هنجارهای جامعه خود هماهنگ نمی‌کنند و اصول اجتماعی را نمی‌پذیرند. از این رو، با رفتار و کردار و کنش خویش، اصول و قوانین جامعه را نقض می‌کنند که این امر، سبب ایجاد ناهنجاری و بروز آسیب‌های اجتماعی می‌شود. دگرگونی زندگی انسان‌ها، اجتماع‌ها و نهادهای برخاسته از ساختارهای اجتماعی نیز در گذر زمان، متحول و این امر سبب می‌شود که انسان در جریان زندگی اجتماعی خویش درگیر معضلات و مشکلات جدیدی شود.

همچنین میزان انطباق فرد با اجتماع به فراخور اعتقاداتها رسم‌ها، سنت‌ها، باید و نبایدها و ... متفاوت است. در این میان تنوع رفتارها و کردارهای افراد ناشی از طبع و سرشت هر انسانی به وجود آمده است که سبب ناهمگونی رفتارها می‌شود. از این رو برخی از افراد از هنجارهای اجتماعی پیروی نمی‌کنند و رفتارهای نابهنجار از خود بروز می‌دهند.

به بیان دیگر، مطابقت نداشتن رفتارهای فرد با هنجارهای

عوامل فردی که در دوران کودکی فرد خودنمایی می‌کنند، نظیر انواع رفتارهای ضد اجتماعی و نابهنجار و خلق و خوی تند و خشن نوجوان را در سال‌های بعد در معرض مشکلات جدی قرار می‌دهند. سرانجام، متغیرهای خانوادگی بسیاری برای درک بهتر سبب شناسی بزهکاری نوجوانان و نقش پررنگ‌تر این عامل مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

افزایش و شدت فعالیت‌های بزهکارانه در میان نوجوانان و هزینه‌های سنگین آن‌ها برای جامعه و دولت، این حقیقت را آشکار می‌نماید که بزهکاری یک موضوع مهم برای تمام کشورها است. برای نمونه، در ایالات متحده، هر روز ۱۲۳۴ نوجوان از خانه فرار می‌کنند و ۲۲۵۵ نوجوان از مدرسه اخراج می‌شوند، هر ۵ دقیقه یک نوجوان دستگیر و هر ۲ ساعت یک کودک به وسیله اسلحه کشته می‌شود.

بسیار گفته می‌شود بیشتر نابهنجاری‌ها و انحراف‌های افراد به ویژه نوجوانان و جوانان ناشی از عقده‌های دوران کودکی است که به علت‌های گوناگون در دوران کودکی شکل می‌گیرد و در بزرگسالی به صورت یک عمل مجرمانه ظاهر می‌شود. شیوه‌های ناصحیح و نادرست تربیت آنان، توجه نکردن به خواسته‌های طبیعی و نیز سخت‌گیری‌های بی‌مورد از عمده دلایل‌های ایجاد و تشکیل عقده‌های روانی این گروه به شمار می‌آید.

ضرورت و اهمیت موضوع

پدیده‌ی بزهکاری اطفال و نوجوانان امروزه تا حدودی مشکل و معضل اجتماعی بیشتر جوامع است. اگر این مساله‌ی اجتماعی در سال‌های اخیر، ویژه‌ی کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی بوده‌است، هم‌اکنون با توسعه‌ی صنعت در بیشتر کشورهای جهان و یا انتقال عوارض آن و گسترش شهرنشینی در دنیا، این پدیده، جهانی شده‌است. بنابراین برخلاف تصور برخی گروه‌ها، بزهکاری اطفال پدیده‌ی جدیدی نیست. زیرا بررسی تاریخی آن حکایت از دیرینگی آن دارد. اهمیت این پدیده، به حدی بوده‌است که در قوانین دیرینه‌ی بسیاری از ممالک، مقررات ویژه‌ای برای این دسته از مجرمان پیش‌بینی شده بود.

از دیدگاه جامعه‌شناختی و آسیب‌شناختی، پدیده‌ی بزهکاری، یک بیماری اجتماعی تلقی می‌شود به طور مسلم، به منظور مبارزه با هر بیماری و مساله‌ای باید زمینه‌ها و ریشه‌های پیدایش هر وقوع آن را شناخت و تدبیرهایی برای حل ریشه‌های معضل در میان افراد جامعه به ویژه آسیب‌پذیرترین قشر آن، یعنی کودکان و نوجوانان اندیشید.

یافته‌های مطالعاتی متعدد نشان می‌دهند که توجه به پدیده‌ی بزهکاری نوجوانان از چند وجه متمایز حایز اهمیت است:



اجتماعی با عنوان‌هایی چون انحراف، بزه، جرم، کجروی ناهنجاری و ... مطرح می‌شود. این پدیده، از جمله آسیب‌های اجتماعی شناخته شده‌ای است که عامل‌های بسیاری در شکل‌گیری آن نقش دارند.

ضرورت کاستن از تعداد فعالیت‌های بزهکارانه، بسیاری از محققان را بر آن داشته‌است تا مهم‌ترین عامل‌هایی را که باعث می‌شوند، افراد به کارهای بزهکارانه مبادرت ورزند، بررسی کنند. به طور عمده در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که پدیده‌ی بزهکاری در سه سطح اجتماعی، فردی و خانوادگی باید مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. مطالعات و تحقیقاتی که انجام شده‌است این نتیجه را داشته‌اند که عامل‌هایی همچون میزان دسترسی به ابزارهای خشونت‌آمیز، توزیع امکانات آموزشی نابرابر و میزان پخش و به تصویر کشیدن خشونت در رسانه‌ها ممکن است باعث گرایش نوجوانان به رفتارهای بزهکارانه شود. همچنین

نخست، به این دلیل که گرفتاری آنان به مثابه آینده‌سازان یک جامعه، فرصت‌های جبران‌ناپذیری به لحاظ تحصیل و کار برایشان به وجود می‌آورد.

دوم، رنج و ناراحتی خانواده‌های کودکان و نوجوانان بزهکار به لحاظ سلامت اجتماعی قابل توجه و به بیان دقیق‌تر موجب تنش و ناسازگاری با همسایگان و دیگر افراد جامعه می‌شود و با مخدوش شدن حس اعتماد و اطمینان عمومی و بی‌میلی آن به هم‌نوایی با مردم می‌انجامد.

سوم، توجه نداشتن و یا کم‌توجهی به این موضوع در مراتب بعدی موجب پرداخت و صرف هزینه‌های کلان مالی در بخش‌های مختلف از قبیل مدیریت اداری و مالی کانون‌های اصلاح و تربیت، کارآموزی، عوامل انتظامی، دادگاه‌های ویژه و ... خواهد شد.

بی‌شک محیط خانواده، مهم‌ترین عامل موثر در تکوین و تحول شخصیت کودک است. اگر محیط خانواده، سالم و مناسب باشد، کودک اعتماد به نفس، مهر و محبت، ایثار و فداکاری، استقلال، قدرت‌پذیری مسئولیت، هم‌نوایی و انطباق و تمام‌وجوه مثبت یک شخصیت سالم را اخذ می‌کند. برعکس در خانواده‌ی ناسالم، رشد طبیعی به کندی صورت می‌گیرد و زمینه‌ی بزهکاری‌ها فراهم می‌شود.

«فیدراستون» و همکارانش دریافتند (۱۹۹۳) نوجوانانی که با هر دو والد در تماس هستند، در مقایسه با نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والد بزرگ می‌شوند، در سال‌های بعدی کم‌تر دچار مشکلات می‌شوند. «کلارک» و «شیلوز» (۱۹۹۷) گزارش دادند، سطح ارتباطات خانواده در رفتار بزهکارانه‌ی نوجوان تاثیر دارد و محیط خانوادگی همبسته، تغییرات ناشی از رفتارهای بزهکارانه را کاهش می‌دهد و سطوح پایین سازگاری در خانواده سطوح بالایی از بزهکاری را موجب می‌شود. همچنین گزارش شده است که بزهکاری نوجوانان با پرخاشگری و نظارت ضعیف والدین، رفتار و نگرش، بی‌توجهی و نادیده گرفتن و غفلت و انضباط و قوانین خشن رابطه دارد.

بیشتر نظریه‌پردازان حوزه‌ی روان‌شناختی معتقدند، تعارض در خانواده، نقش مهمی در شکل‌گیری ناسازگاری کودک و نوجوان دارد و تعارض والد نوجوان از جمله‌ی عامل‌های سبب‌شناختی در ناسازگاری نوجوان به شمار می‌آید. بررسی مطالعاتی در این زمینه نشان می‌دهد که این تعارض با ناسازگاری نوجوان از جمله افسردگی (فورهند، ۱۹۸۸)، آسیب‌های جسمی (پاور ۱۹۹۱)، رفتار ناپسند (تامیلسون، ۱۹۹۱)، رفتار مشکل‌زا در مدرسه و عملکرد ضعیف تحصیلی (فورهند و فوبر، ۱۹۸۶)، اضطراب و مشکلات مربوط به عزت نفس در ارتباط است (تی‌ال شک و کونگما، ۲۰۰۱).

بنابراین روابط خانوادگی، بهترین پیشگوی رفتار بزهکارانه است. روش‌های منضبط کردن کودکانی که بعدها بزهکار شده‌اند، غیرمعقول و یا بسیار سختگیرانه و بیشتر با تنبیه بدنی

همراه بوده است و کمتر در مورد رفتار نادرست کودک با او گفت‌وگو می‌شده است. بزهکاران و والدینشان اغلب با هم ارتباط و درک متقابل و یا مکالمه‌ای ندارند و صحبتی بین آنان نیست. والدین در مورد کودکان سهل‌انگاری می‌کنند و به آنان بی‌اعتنا هستند.

در این میان، طرد پدر، قوی‌ترین پیش‌بینی کننده برای رفتارهای بزهکارانه و پرخاشگرانه میان متغیرهای خانواده، برای نوجوانان پسر محسوب می‌شود. نقش عمده‌ی طرد پدر، به عنوان پیش‌بینی کننده‌ی رفتارهای مشکل‌زا در پسران به احتمال ممکن است به نقش جنسیتی خاص پدر نسبت داده شود.

در واقع، پدران تمایل دارند، بیشتر با فرزندان پسرشان درگیر

شوند تا با دخترانشان

افزایش و شدت

فعالیت‌های بزهکارانه

درمیان نوجوانان

و هزینه‌های سنگین آن‌ها

برای جامعه و دولت

این حقیقت را آشکار می‌نماید

که بزهکاری یک موضوع مهم

برای تمام کشورها است.

برای نمونه، در ایالات متحده

هر روز ۱۲۳۴ نوجوان از خانه

فرار می‌کنند و ۲۲۵۵ نوجوان

از مدرسه اخراج می‌شوند.

هر ۵ دقیقه یک نوجوان

دستگیر و هر ۲ ساعت

یک کودک

به وسیله‌ی اسلحه

کشته می‌شود

بین پدر و پسر، در دوره‌ی نوجوانی تاثیر حفاظت‌کننده‌ی درباره رفتار بزهکارانه و بهداشت روانی دارد. با وجود این، پدران گرایش دارند که با بالا رفتن تعارض‌های زناشویی، تعهدی نسبت به نوجوانان نداشته باشند (هاریس و دیگران، ۱۹۹۸). همین امر، این فرض را مطرح می‌کند که: روابط منفی حاکم بین پدر و مادر می‌تواند عامل موثری در رشد رفتار بزهکارانه باشد (برونو، ۲۰۰۰).

همچنین طرد شدید از سوی خانواده و عملکرد منفی خانواده هر دو با آسیب‌شناسی‌های جدی‌تر از قبیل اضطراب، مشکلات اجتماعی و رفتار پرخاشگرانه در ارتباط هستند.



در مقایسه‌ی نگرش نوجوانان بزهکار قانون اصلاح و تربیت یزد یا نوجوانان مدارس یزد مشخص شد که نوجوانان بزهکار دارای اضطراب بیشتر، اعتماد به نفس کمتر، احساس خجالت و تنهایی بیشتر و احساس پذیرش نشدن از سوی دیگران هستند. همچنین در مقایسه با گروه دوم، براساس باورهای شخصی خود عمل می‌کنند. حتی اگر برخلاف عرف و هنجارهای اجتماعی باشد.

بررسی دیدگاه‌های موجود

متخصصان، محققان و اندیشمندان رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و جرم‌شناسی هر یک از دریچه‌ای

از دیدگاه جامعه‌شناختی و

آسیب‌شناختی، پدیده‌ی بزهکاری، یک بیماری اجتماعی تلقی می‌شود به طور مسلم، به منظور مبارزه با هر بیماری و مساله‌ای باید زمینه‌ها و ریشه‌های پیدایش هر وقوع آن را شناخت و تدبیرهایی برای حل ریشه‌ای معضل در میان افراد جامعه به ویژه آسیب‌پذیرترین قشر

آن، یعنی کودکان و نوجوانان

اندیشید
خاص به
بررسی این مساله همت گمارده‌اند.
بنابراین درباره علل و انگیزه‌های انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی اتفاق نظر دیده نمی‌شود. می‌شود حوزه‌های مطالعاتی این پدیده را در پنج رده دسته‌بندی کرد:

۱- نگرش‌های جسمانی

الف- سیماشناسی (جان کاسپرلاوتر)

ب) انسان‌شناسی جنایی (سزار لومبروزو)

ج) تیپ بدنی (ویلیام شیلدون)

۲- نگرش‌های اقتصادی (از بعد جرم‌شناختی؛ جرج ولد)

۳- نگرش‌های روان‌شناختی (فروید، هیرش، گوردون، هیندینگ)

۴- نگرش‌های جامعه‌شناختی

الف) نظریه‌ی فشار ساختاری (دورکیم، مرتون)

ب) نظریه‌ی برجسب‌زنی (انگ)

ج) نظریه‌ی تضاد

د) نظریه‌ی محیطی (رابرت پارک، شاو، مک کولی)

۵- نگرش‌های روان‌شناسی اجتماعی؛ انتقال فرهنگی (ساترلند، بندورا)

از دیدگاه انسان‌گرایانه به منظور جلوگیری از تباهی بسیاری

از فرزندان یک جامعه، از دیدگاه جامعه‌شناسی برای تبیین علت‌های بزهکاری و تمهید کار ویژه‌های خاص برای جلوگیری از آن، از دیدگاه اقتصادی برای صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط به دستگیری، محاکمه، اصلاح و تربیت و نگاه‌داری بزهکاران در جاهایی که امکان اثرات مثبت و کارایی بیشتر به همراه دارد ضرورت می‌یابد و اهمیت مساله را آشکار می‌سازد.

براساس دیدگاه آسیب‌شناسی دورکیم، تاثیر اوضاع ناهنجار جامعه و به بیان دیگر وضعیت انومی یا بی‌هنجاری بر بزهکاری مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد. تاثیر میزان دینداری و تعهدات اخلاقی و رفتار و کردارهای ناشی از آن بر بزهکاری نوجوانان و ارتباط بین دو متغیر یاد شده، از طریق این دیدگاه میسر است.

دیدگاه انومی مرتون به طور عمده ناشی از نبود ابزارها و وسایل دستیابی به هدف‌های مقبول اجتماعی در جامعه است. بر این اساس مرتون به انواع انحراف و آسیب‌های اجتماعی در جامعه اشاره و اقدام به دسته‌بندی آن‌ها کرده است.

دیدگاه علقه‌ی خانوادگی و اجتماعی هیرش که در زمره‌ی دیدگاه‌های نظارت اجتماعی است به دنبال یافتن پاسخ به این سوال است که چرا همه‌ی کسانی که دچار تنش روانی‌اند و زیر فشارهای ساخت اجتماعی قرار می‌گیرند، دست به کجروی نمی‌زنند؟ پاسخ آنان به چگونگی تضعیف نظارت اجتماعی بازمی‌گردد. هیرش، آن را به عنوان چهار مفهوم دلبستگی، تعهد درگیر بودن و باورها یاد می‌کند. به باور وی، بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادهای فرد نیز متأثر از پیوند مدرسه، خانواده و جامعه است. براساس نگرش کوهن، پسران طبقه‌ی پایین آرمان‌های موفقیت فرهنگ کلی جامعه را دارند. اما اغلب به دلیل شکست (افت) تحصیلی و در نتیجه از دست دادن مشاغل مهم، فرصت ناچیزی برای دستیابی به هدف‌های خود می‌یابند. آنان از فقدان منزلت اجتماعی رنج می‌برند و لذا در مقایسه و رقابت با طبقه‌ی متوسط دچار نارضایتی و ناکامی می‌شوند که این خود، تبعات منفی و گرایش به سمت بزهکاری را به دنبال دارد.

براساس نظریه‌ی پیوند افتراقی ساترلند، نزدیکان و همسالان بزهکار، در تشکیل و تقویت نگرش‌های بزهکاری تاثیر به‌سزایی می‌گذارند. این نظریه بر نظریه‌ی یادگیری اجتماعی استوار است و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی از حیث رابطه‌اش با خانواده محله، دوستان در نظر می‌گیرد.

براساس دیدگاه تعاملی تورن بری؛ انگیزه اولیه‌ی فرد به سوی بزهکاری از ضعف پیوندهای شخصی به‌هنجارهای دوران نوجوانی به ویژه، بدلیل نداشتن دلبستگی به والدین، تعهد به‌مدرسه و باور به ارزش‌های سنتی و متداول جامعه ناشی می‌شود. به عبارتی، وقتی این سه عامل تضعیف می‌شود، انگیزه‌ی فرد به انجام رفتار بزهکارانه افزایش می‌یابد.

به طور کلی، هر یک از دیدگاه‌هایی که به آن اشاره شد از بعد



نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شده است با تبیین و توجیه اهمیت پدیده بزهکاری، نظریه‌ها و دیدگاه‌های برخی از محققان البته از منظر و نگرش‌های علوم مختلف بررسی و مورد واکاوی قرار گیرد. تکیه بر جلوگیری از تباهی نوجوانان به عنوان آینده‌سازان از دیدگاه انسان‌گرایی، بررسی علت‌های بزهکاری و تمهید کار ویژه‌های خاص برای جلوگیری از آن مطابق دیدگاه جامعه‌شناسی، تاکید بر پرهزینه و سرسام‌آور بودن دستگیری، محاکمه، اصلاح و تربیت و نگهداری آنان از منظر اقتصادی و حقوقی از جمله‌ی این موارد است.

در ضمن تاکید شناسایی عامل‌های موثر در این پدیده و ضرورت بازبانی شخصیتی افراد بزهکار، به راهکارهای پیشگیری از این معضل و مساله‌ی اجتماعی، در دو جنبه‌ی پیشگیرانه و درمانی پرداخته شد.

منابع:

- ۱- سخاوت، جعفر «بررسی عوامل موثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان» مجله جامعه‌شناسی ایران دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۲ سال ۱۳۸۱.
- ۲- ستوده، هدایت‌الله. مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱.
- ۳- شریفی، فریبا «عملکرد خانواده و بزهکاری نوجوان» معلم شماره‌ی ۳۲ سال ۱۳۸۴.
- ۴- کریمی، یوسف و علوی یزدی، محمد تقی «مقایسه نگرش‌های نوجوان بزهکار با نوجوانان ناسازگار در استان یزد» دانشگاه علوم پزشکی یزد، ۱۳۸۰.
- ۵- نجفی توانا، علی. ناهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان چاپ اول، تهران: راه تربیت، ۱۳۸۲.
- ۶- خلاصه مقالات همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر دبیرخانه همایش ۱۳۸۱.

خاصی به پدیده بزهکاری می‌نگرد و به تناسب زاویه‌ی دید از متغیرهایی برای تبیین آن پدیده استفاده می‌کند. از این رو، هیچ یک از آن‌ها، به تنهایی قادر به تبیین و توجیه بزهکاری نیستند و هر یک با توجه به اوضاع اجتماعی خاص در محدوده‌ی زمانی خاص کاربرد خواهد داشت.

در یک کلام، از دید دورکیم، متغیرهای ارزیابی از وضعیت جامعه یا احساس آتومی، میزان دینداری، از دید مرتون، فرصت‌های خانوادگی، از دیدگاه هیرش و تورن بری، میزان دلبستگی به خانواده و تعهد به مدرسه، از دید کوهن، پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و از دیدگاه ساترلند، وضع خانواده، نزدیکی و اقوام و دوستان در تبیین و بررسی علل بزهکاری موثرند.

پیشنهاد راهکارهای مبارزه با آسیب‌های اجتماعی

- پاسخگویی مناسب جامعه به نیازها و گرایش‌های افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین دوران زندگی انسان قلمداد می‌شوند. زیرا، اغلب در این دوران آسیب‌پذیری و گرایش فرد به بزهکاری بیشتر است و به عنوان آستانه‌ی بزهکاری یاد می‌شود.

- بالا بردن سطح آگاهی، مبارزه با فقر فرهنگی، بی‌سوادی یا کم سوادی، داشتن احساس مسئولیت از سوی افراد - پر کردن اوقات فراغت توسط مراکز فرهنگی و ایجاد تفریحات سالم

- فراهم کردن زمینه‌ی آشنایی صحیح با اصول و مبانی دینی از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی

- راه‌اندازی تبلیغات و آموزش همگانی از طریق مطبوعات و رسانه‌ی ملی، مراکز فرهنگی، هنری، ورزشی و نظایر آن‌ها

- تقویت پایگاه‌های ورزشی همگانی

همچنین با توجه به حالت‌های حاکم بر روحیه‌ی افراد بزهکار زندانی از یک طرف و فلسفه‌ی اساسی مجازات زندانی در عصر کنونی با هدف اصلاحی و تربیتی از طرف دیگر، سبب شده است که بیشتر محققان داخلی در این حوزه، موارد زیر را برای اصلاح و تربیت این عده، پیشنهاد کنند:

۱- تشریک مساعی و شناخت قوانین اجتماعی و احترام گذاشتن به خواسته‌های اجتماع

۲- ایجاد خوشحالی و نشاط و سازش با محیط

۳- ایجاد اعتماد به نفس و احساس مفید بودن و مورد نیاز بودن در اجتماع

۴- آموزش خونسردی در برابر رفتارهایی چون خودخواهی درگیری، ناسزا و نظایر آن

۵- درک کامل هدف‌های مورد نظر و تلاش برای نیل به آن‌ها

۶- درک پذیرش شکست‌ها و انتقادها با خوشرویی

۷- تقویت روحیه‌ی جوانمردی در بین آنان.